

[توضیح بیشتر کلام مرحوم امام 1](#_Toc504847350)

[نقد استاد به کلام مرحوم امام 2](#_Toc504847351)

[اشکال اول: مهم نبودن سببیت نوم اول و دوم 2](#_Toc504847352)

[اشکال دوم: جریان استصحاب در تنظیر اول 3](#_Toc504847353)

[اشکال سوم: جریان استصحاب در تنظیر دوم 4](#_Toc504847354)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در بررسی کلام مرحوم امام در جریان استصحاب در توارد حالتین بود.

###### توضیح بیشتر کلام مرحوم امام

گذشت که برخی از بزرگان، در بحث توارد حالتین متضادین، هم نظر با مرحوم محقق شده بودند. البته نظر ایشان از جهتی هم با نظر محقق متفاوت بود. جهت شباهتش با نظر مرحوم محقق در این بود که اگر حالت سابق بر حالات متوارده، معلوم باشد و مخالف با آن هم باشد، استصحاب ضد حالت سابقه جاری می شود و معارضی هم ندارد. جهت تفاوت نظرشان نیز این بود که مرحوم محقق، این نظر را در صورت موافق بودن حالت سابقه معلوم نیز، قائل بودند، لکن نظر این بزرگان این بود که در صورت موافق بودن حالت سابقه معلوم، علاوه بر استصحاب ضد حالت سابقه، استصحاب معارض آن نیز جاری است.

کلام این بزرگان مبتنی بر دو ادعا است:

الف. انحلال علم اجمالی که در کلام مرحوم روحانی[[1]](#footnote-1) و امام[[2]](#footnote-2) ذکر شده است. برای مثال در جایی که در هنگام صبح، علم به خواب وجود داشته است و در ساعت 11 و 12 علم به خواب و وضو (بدون علم به تقدم و تأخر) وجود دارد، نسبت به حدث ناشی از خواب اول، علم تفصیلی وجود دارد و نسبت به حدث ناشی از خواب دوم، شک بدوی وجود دارد. خواب دوم در صورتی موجب حدث است که بعد از وضو محقق شود، وگرنه در صورت تحققش قبل از وضو، حدثی محقق نمی کند و حدث، ناشی از همان خواب اول است. نسبت به حدث اول، علم تفصیلی به تحقق و علم تفصیلی به ارتفاع وجود دارد و نسبت به تحقق حدث دوم، شک بدوی وجود دارد. با توجه به این مطلب، استصحاب طهارت بدونِ معارض جاری است.

نکته: انحلال علم اجمالی، حکمی است.

ب. جریان استصحاب بر اساسِ منجزیت علم اجمالی است و به عبارت دیگر، علم اجمالی، به عنوانِ علم اجمالی منجز، موضوع استصحاب را درست می کند. با توجه به این مطلب، بعد از انحلال علم اجمالی و از کار افتادن تنجزش، جریان استصحاب مختل می شود.

در مثال بالا نیز علم اجمالی به حدث وجود ندارد و صرفا علم اجمالی به خواب وجود دارد و لذا دیگر استصحاب جاری نیست. به عبارت دیگر، علم اجمالی به موضوع حکم شرعی وجود ندارد و صرفا علم اجمالی به خواب وجود دارد که فقط در صورت تحققش بعد از وضو، حدث خواهد بود.

###### نقد استاد به کلام مرحوم امام

به کلام این بزرگان اشکالاتی وارد است:

اشکال اول: مهم نبودن سببیت نوم اول و دوم

این بزرگان قائل بودند که برای جریان استصحاب، می بایست علم اجمالی منجز به موضوع حکم شرعی وجود داشته باشد، در حالی که در مورد بحث، علم اجمالی به صرف خواب وجود دارد که فقط در یک فرضش (بعد از وضو) سبب حدث است. به عبارت دیگر، ایشان علم اجمالی غیر منحل را برای جریان استصحاب لازم می­دانسته اند، لکن اشکال ما این است که صرف علم اجمالی ولو غیر منجز، هم برای جریان استصحاب کافی است؛ چرا که با وجود علم اجمالی غیر منجز، نیز ارکان استصحاب تمام است. در مورد بحث، در زمان خواب دوم، قطعا حدث محقق بوده است و هم اکنون هم شک در بقاء آن حدث داریم.

توضیح این که زمان خواب دوم، یا بعد از وضو است و یا قبل از آن. اگر قبل از وضو بوده باشد، حدثِ هنگام خواب دوم، ناشی و مسبّب از خواب اول بوده است و اگر هم این خواب دوم، بعد از وضو بوده باشد، حدث هنگام خواب دوم، ناشی و مسبّب از خود خواب دوم بوده است، پس بالاخره در هنگام خواب دوم، حدث محقق بوده است. در زمان کنونی، نیز شک در بقاء همان حدث وجود دارد.

لازم نیست که علم اجمالی به چیزی تعلق بگیرد، که علی کلّ تقدیر، موضوع حکم شرعی باشد. برای جریان استصحاب، علم اجمالی به خواب کافی است و لازم نیست که علم اجمالی به عنوان حدث داشته باشیم.

اشکال این بزرگان این بود که معلوم نیست که با تحقق خواب دوم، حدثی رخ داده باشد، لکن اشکال ما این است که قرار نیست استصحاب حدثِ ناشی از خواب دوم جاری شود، بلکه استصحاب صرف حدثِ محقق در زمان خواب دوم (چه ناشی از خواب اول و چه ناشی از خواب دوم) جاری می شود.

ما نیازی نداریم که سبب حدث، خواب دوم باشد و این مطلب، موضوعیت ندارد، بلکه برای جریان استصحاب، تحقق صرف حدث در زمان خواب دوم –به هر سببی که باشد- کافی است.

اگر استصحاب حدث ناشی از خواب دوم جاری می شد، اشکال این بزرگان جا داشت که حدث ناشی از خواب دوم، مشکوک به شک بدوی است، لکن چیزی که هست این است که حدثِ در زمان خواب دوم استصحاب می­شود، نه حدثِ محقّق به سبب خواب دوم. خلط قائل این است که حدث به سبب خواب دوم را مدّ نظر قرار داده است.

آن چه که موضوع حکم شرعی است، صرف حدث است. برای مثال موضوع حرمت مسّ مصحف، صرف حدث است و لذا اگر علم اجمالی به تحقق حدث از یکی از اسباب نوم یا بول داشتیم، با وجود این که سبب حدث را بعینه نمی دانیم، باز هم مسّ مصحف حرام است.

پس با توجه به علم به حدث در زمان خواب دوم و شک کنونی در بقاء آن حدث، ارکان استصحاب در مورد حدث، تمام است. تنها چیزی که هست این است که باید استصحاب بقاء طهارتِ عند الوضوء (چه معلوم التاریخ و چه مجهول التاریخ) به عنوان استصحاب معارض، مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه این که آن چه که در کلام محقق و برخی دیگر آمده بود که فقط استصحاب ضد حالت سابقه جاری است، به نظر ما صحیح نمی باشد و باید استصحاب معارض را هم مدّ نظر قرار داد.

اشکال دوم: جریان استصحاب در تنظیر اول

یکی از تنظیرهایی که در کلام قائل، ذکر شد، بحث جنابت بود. ایشان گفتند که اگر در روز شنبه، اثر جنابتی روی لباس دیده شود که مردد باشد بین جنابت جمعه ای که بعد از آن، غسل شده و بین جنابت شنبه ای که بعد از آن غسل نشده است، در این صورت استصحاب بقاء جنابت جاری نیست؛ چرا علم اجمالی منجز وجود ندارد. سپس مورد بحث را در عدم جریان استصحاب، به این مثال تنظیر کردند.

اشکال ما این است که در همین مورد تنظیر نیز استصحاب بقاء جنابت جاری است؛ چرا که موضوع جریان استصحاب، جنابت معلوم به علم اجمالی منجز نیست، بلکه جنابت معلوم ولو به علم اجمالی غیر منجز است. در این مثال هم همان بیان گذشته می آید که در زمان تحقق این اثر، قطعا جنابت محقق شده است و الان هم شک در بقاء همان جنابت داریم.

توضیح این که زمان تحقق این اثر، یا جمعه بوده است که در این صورت، قطعا این جنابت مرتفع هم شده است و یا زمانش شنبه بوده است که در این صورت، قطعا جنابت باقی است، ولی چیزی که مهم است این است که بالاخره در زمان مقارن خروج این اثر، جنابت محقق شده است و الان هم شک در بقاء همان جنابت داریم؛ چون که احتمال می دهیم، جنابت روز شنبه بوده باشد. پس ارکان استصحاب تمام است. مرحوم خویی[[3]](#footnote-3) و مرحوم ایروانی[[4]](#footnote-4) هم ارکان این استصحاب را تمام دانسته و آن را استصحاب کلی قسم رابع، معرفی کرده اند.

اشکال سوم: جریان استصحاب در تنظیر دوم

دومین تنظیر ایشان در عدم جریان استصحاب، علم اجمالی به خفقه قبل از وضو و خواب بعد از وضو بود که بیان کردند همان طور که در آن مثال، استصحاب حدث جاری نیست، در مورد بحث هم استصحابِ حدث جاری نیست. اشکال ما این است که در آن مثال هم استصحاب بقاء حدث جاری است، به این بیان که در زمان اجمالی خفقه و نوم، قطعا حدثی محقق بوده است و الان شک در بقائش داریم.

توضیح این که اگر آن زمان اجمالی، زمان خفقه قبل از وضو باشد، حدث، ناشی از سببی سابق بر خفقه بوده است و اگر هم آن زمان اجمالی، زمان نوم بعد از وضو باشد، حدث، ناشی از خود این نوم است. پس بالاخره در زمان اجمالی خفقه و نوم، حدث محقق بوده است. هم اکنون نیز شک در بقاء همان حدث داریم و استصحاب بقاء حدث را جاری می کنیم. نهایت این است که استصحاب طهارت، با این استصحاب معارضه می کند.

نکته: علم اجمالی به این که یا قبل از وضوء، آروغ زده یا بعد از وضوء، خواب سر زده است نیز مانند مثال بالا بوده و استصحاب بقاء حدث در مورد آن، جاری است.

1. [منتقی الاصول، روحانی، ج6، ص277.](http://lib.eshia.ir/13050/6/277/انحلال) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الاستصحاب، السید روح الله الموسوی الخمینی، ج1، ص182.](http://lib.eshia.ir/86437/1/182/المحقق) [↑](#footnote-ref-2)
3. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص118.](http://lib.eshia.ir/13046/3/118/الرابع) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الاصولی فی علم الاصول، شیخ علی ایروانی، ج2، ص390.](http://lib.eshia.ir/86447/2/390/الرابع) [↑](#footnote-ref-4)